دو مثال

من باره مثال‌ش ار هم زدم.

۱. گوینده رادیو

رادیو حرف میزند. یک کسی میگوید که من ماجرا را ول کن نیستم. میروم در تار و پود این رادیو، تا آن آقایی را که درونش دارد حرف میزند، پیدایش کنم. این رویکرد، رویکرد خوبی است. چرا نگران هستید؟ میگویید بابا اگر دنبال این رفت، خرابش میکند! نه، اتفاقاً این رویکرد خوب است، در تار و پود ِرادیو میرود، تمام ذراتش را بررسی می کند. بعد مطمئن میشود که آن گوینده، در این رادیو نبود.

دماغ بشر را، نخاع را، روح را، عصب را بررسی میکنند. و عجایب است! شوخی نیست. بعداً میبینند در عصب‌شناسی سر از بینهایت در میآورد؛ شوخی نیست ، خدا چه کار کرده! فقط خودش میداند. هنوز بچه کجا میداند؟یک ذره.

الآن انتظار دارند در علوم شناختی همه چیز را از این بدن بیرون بکشند،تصریح میکنند. میگویند:«ما کاری با بیرون بدن نداریم. چرا میگویید روح؟ همه این ها را بشناسید همه چیزش درست میشود» خیلی خوب است. بعد اینکه تمام ِچند میلیارد یا بیشتر این سلول‌ها[1] را باز کردید، تک تک‌شان کارهایشان را فهمیدید، در آن فضا مطمئن میشوید یک اموری از جای دیگر هم میآید. این یک چیز واضح و آشکار است برای پیشرفت علوم.

۲. مجموعه تلویزیون ها

یک مثال دیگر عرض کنم. شما یک عده‌ای را فرض بگیرید در سالنی که تا حالا هیچ جا نرفته اند؛همینجا بزرگ شده اند. مثلاً ۱۰۰ تا دستگاه تلویزیون که امروزه هست، میآورند. کسی که هیچ نمیداند بیرون ِاینجا هست یا نیست ، الآن میبینند که یک کسی میآید اخبار میگوید. میبینند در همه این ۱۰۰ دستگاه، یک شخصی است. تحلیلی که او از این دستگاه تلویزیون دارد چه میتواند باشد؟ میگویید این ها جوری درست شده اند که مثل همدیگر کار میکنند. طبیعی‌ترین راه این است.

کاری که علوم شناختی ِامروز شروع کردند همه همین هست. که برویم در ِاین تلویزیون‌ها را باز کنیم و ما به الاشتراک‌هایشان را پیدا کنیم. جلو میروند، شاید مناسب‌ترین پاسخ همه بگویند کارخانه‌هایی که این را ساخته حافظه‌یROM[2] به این دستگاه داده است. (RAM دارم و ROM. [3]RAM زنده است، ROM ثابت است) این اطلاعات، از کارخانه در این ها آمده. یک روز و دو روز نیست. این کسانی که در این ِرودگاه هستند، بسیار زمان میبَرَد تا تمام تار و پود این دستگاه تلویزیون را باز کنند که کارخانه در آن چه گذاشته است که در همه‌ی این ها با هم، یک نفر یک اخبار میگوید؟

این رویکرد خوبی است. چرا؟ چون می‌روند تا جایی که تمام ِتار و پود این تلویزیون را باز می‌کنند و می‌فهمند چه خبر است. می‌رسند به جایی که می‌بینند آنچه که کارخانه می‌خواهد در این بگذارد با آنچه که از او مشاهده می‌کنند که اخباگوگ می‌آید و خبر می‌گوید، فرق می‌کند؛ شبیه تفاوت بین تلویزیون ِمدارباستهٔ با آن تلویزیونی که از بیرون، دریافت می کند. این آقایان بعد از اینکه این مسیر را رفتند، مطمئن می‌شوند که این دستگاهها از بیرون یک ارتباطی دارند و آن کسی که اینجا دارد حرف می‌زند، ساخت ِکارخانه و در دل ِاین دستگاه نیست. ولو ابتدا دو نظریهٔ رقیب ِهم، مطرح است:یکی احتمال اینکه از بیرون باشد و یکی احتمال اینکه از دل کارخانه و اطلاعات کارخانه باشد.

این جهتگیری، درست است، چرا؟ چون بشر را می‌برد و با تمام کوچه پس کوچه‌هایی که خدای متعال به این بدن ِجسمانی او داده آشنا می‌کند؛ یعنی دیگر جایی نیست که بگوید این را نرفتیم، شاید خبری باشد. «شاید»ها تمام می‌شود. این ها هم طبیعی‌اش این است که می‌آیند در ِاین تلویزیون را باز می‌کنند، می‌گویند شروع می‌کنیم به مهندسی کردن. می‌رویم بررسی و ببینیم.

۳۰. علوم شناختی و مطالعات حوزوی

علوم شناختی از علومی است که هر چه رویش طلبگی کار بکنند و مقدماتش را هر چه این علوم پیشرفت کرد مطلّع باشند، نفع می‌برند. این ها علوم مهمی است. نافع است برای کسی که خبر داشته باشد، اما اگر این ها را وحی بداند و دل به آن ها بدهد ضرر می‌کند. اگر مطلع باشد ولی اسیر این ها نباشد، خیلی نفع می‌برد.

---

[1] تعداد سلول‌های بدن انسان حدود ۳۷٫۲ تریلیون تخمین زده شده‌اند.(سایت ویکی پدیا)

[2] حافظه فقط خواندنی به انگلیسی: (Read only Memory) که به‌طور مختصر ROM خوانده می‌شود یک قطعه سخت‌افزاری مهم در رایانه است. این حافظه از جنس نیمه‌هادی بوده و شامل اطلاعات دائمی است که از قبل توسط کارخانه سازنده و تولیدکننده رایانه در آن قرار داده شده‌است. داده‌های ذخیره شده در ROM به راحتی قابل تغییر نیست، این اطلاعات مهم بوده و برای راه‌اندازی رایانه ضروری هستند.(سایت ویکی پدیا)

[3] حافظه دسترسی تصادفی به انگلیسی: Random-access memory یا رَم به انگلیسی: RAM نوعی حافظه رایانه بصورت کوتاه مدت برای ذخیره‌سازی موقت داده و کد ماشینی است.(همان)

بازبینی #1
ایجاد شده 23 مارس 2025 13:41:09 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 مارس 2025 13:41:58 توسط ... .